چالش

سجاد مرادی کلارده

دستور کار غیرآتلانتیکی اروپای کوچک در دریای سرخ

بعد از نقش‌آفرینی ارتش ملی یمن در حمایت از غزه و مقابله با کشتی‌ها و شناورها در دریای سرخ، اقیانوس هند و تنگه هرمز به مقصد سرزمین‌های اشغالی، ایالات‌متحده و انگلیس با همکاری چند کشور، برخی مقرهای انصارالله را در چهار استان یمن هدف قرار دادند. یک نکته مشخص، اختلافات نمایان شده بین امریکا با برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه، ایتالیا و اسپانیاست، چه اینکه این سه کشور ضمن حمایت‌نکردن از تهاجم امریکا و انگلیس به یمن، بیانیه‌ای را که از سوی ۱۰ کشور برای توجیه این حملات صادر شد، امضا نکردند. در این باره باید چند نکته را مدنظر قرار داد.

یک موضوع به معضلات داخلی برمی‌گردد که بسیاری از دول اروپایی که تا پیش از این نقش فعالی در سیاست خارجی اتحادیه داشتند، با آن مواجه هستند. برای مثال با وجود درخواست امریکا برای مشارکت ایتالیا، به نظر می‌رسد رم به دلایلی همچون لزوم تأیید پارلمان این کشور برای هر گونه مشارکت در عملیات نظامی خارجی و زمانبربودن این روند و همچنین تمایل ایتالیا برای دنبال کردن یک سیاست آرام در دریای سرخ از درگیرکردن خود در این منازعه پرهیز می‌کند، هر چند وزیر دفاع ایتالیا بعد از مخالفت کشورش با عملیات در یمن، در سخنانی از احتمال پیوستن ایتالیا به ائتلاف نظامی دریایی ضدصنعا در دریای سرخ خبر داده است. رویکرد مشابهی نیز از سوی اسپانیا دنبال شده است. روبلز، وزیر دفاع این کشور در پاسخ به چرایی عدم‌حضور در این حملات گفت که اسپانیا «بیش از هر چیز خواستار برقراری صلح در منطقه است. هر کشوری باید توضیحاتی را برای اقدامات خود بدهد. اسپانیا همیشه به صلح و گفت‌وگو متعهد خواهد بود.» در مورد فرانسه نیز به رغم اینکه طبق گزارش اداره اطلاعات نظامی فرانسه در سپتامبر سال ۲۰۱۸، تسلیحات فروخته‌شده این کشور به عربستان‌سعودی و امارات نقش بارزی در حملات دریایی، هوایی و زمینی در یمن داشته است، اما این بار ضمن خودداری از شرکت در این حملات گفت که در راستای حفاظت از کشتیرانی در دریای سرخ قصد مشارکت در این حملات ندارد. فرانسه همچنین اعلام کرد، معتقد نیست حملات به یمن به فرماندهی امریکا می‌تواند به عنوان دفاع مشروع تلقی شود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد پاریس از اینکه با پیوستن به حملات به رهبری امریکا اهرم سیاسی خود را در مذاکرات برای کاهش تنش بین طرف‌های جنگ با رژیم‌صهیونیستی از جمله حزب‌الله از دست بدهد، نگران است.

«پاریس» اتحاد همزمان با نمایش استقلال

البته در این بین موشکافی دیدگاه فرانسه نشان می‌دهد عدم‌حضور این کشور را نباید به معنای تغییر رویکرد پاریس در قبال یمن دانست. چه اینکه به نظر می‌رسد از دهه ۱۹۹۰ به این سو امنیت‌گرایی و ایجاد ثبات امنیت دریایی دغدغه اصلی راهبرد دفاعی فرانسه لااقل در غرب اقیانوس هند بوده است. بسیاری از کارشناسان فرانسوی معتقدند در صورت تسلط هر گروهی از جمله انصارالله در جنوب یمن، امکان به خطر افتادن و بسته‌شدن تنگه باب‌المندب وجود خواهد داشت. این امر بیش از همه می‌تواند تهدیدی جدی برای منافع قدرت‌های بزرگ باشد. با این تصور به نظر می‌رسد هدف راهبردی فرانسه از پشتیبانی ائتلاف عربی علیه یمن، از بین بردن حوثی‌ها در یمن و تسلط همپیمانان فرانسه بر جنوب یمن است. فرانسه همواره امید بسیاری به نفوذ در یمن به ویژه قسمت جنوبی مشرف بر دریا داشته است چراکه در میان کشورهای شبه‌جزیره عربی تنها یمن است که روابط سیاسی راهبردی و مستحکمی با امریکا ندارد. مقام‌های فرانسوی معتقدند حضور و نفوذ فرانسه در یمن علاوه بر اینکه موجب اشراف پاریس بر منافع خود در این منطقه می‌شود، بلکه میان نفوذ کشورهای غربی در منطقه غرب آسیا نیز توازن ایجاد می‌کند. همین تحلیل عاملی است تا سردمداران فرانسه جهت گسترش نفوذ خود در یمن در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ میلادی در زمینه‌های علمی، امنیتی و دفاعی، رسانه‌ای و کشاورزی همکاری‌هایی را با یمن انجام دهند. در عین حال به نظر می‌رسد فرانسه در سال‌های اخیر به رغم روابط باثبات با امریکا سعی کرده است شخصیت مستقلی نیز از خود به نمایش بگذارد. در موضوع نیجر که حاکی از تغییر موازنه قدرت در منطقه به ضرر امریکا بود، اختلافات بین پاریس و منافع واشینگتن مشهود بود. همچنین در موضوع روسیه، با وجود گذشت حدود دو سال از عملیات ویژه روسیه در اوکراین، به نظر می‌رسد فرانسه به‌رغم عمل در چارچوب سیاست‌های اتحادیه اروپا در این موضوع معتقد است نمی‌توان روسیه را از آینده سیاسی اروپا کنار گذاشت. رئیس‌جمهور فرانسه در سفر آبان ماه گذشته به قزاقستان گفت: نمی‌توان معماری دفاعی اروپا را بر مبنای تشدید تنش و درگیری‌ها ساخت. روسیه از نظر جغرافیایی بخشی از اروپاست، بنابراین ما نیاز به ساخت یک الگوی با ثبات روابط بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا با کشورهای غیرعضو داریم و این موضوع شامل روسیه نیز می‌شود.

> برخی اعضای اروپا همچون فرانسه و ایتالیا که سابقه طولانی در سیاستگذاری خارجی دارند، از ابتدا تمایلی به دستور کار سیاست خارجی مشترک با دیگر اعضا ندارند و این واهمه بیش از همه در فرانسه وجود دارد که همواره تمایل خود را برای تشکیل اتحادیه اروپای کوچک و خارج نگه داشتن بیشتر اعضای جدید نشان داده است

شکاف دیرینه

بخش دیگری از اختلافات در رویکرد دو سوی آتلانتیک به دریای سرخ، به این مربوط است که اتحادیه اروپا قصد خود را برای راه‌اندازی یک مأموریت جدید و اعزام کشتی‌های جنگی به دریای سرخ برای حفاظت از کشتی‌ها در مقابل حملات و تهدیدات حوثی‌های یمن عنوان کرده است. موضوع عدم‌همراهی سه کشور فوق نشان از چنددستگی و اختلافاتی است که سال‌هاست بین امریکا و متحدان منطقه‌ای آن و در درون اتحادیه اروپا دیده می‌شود. به طور کلی به دلیل سیاست‌های یک‌جانبه امریکا در یک دهه گذشته، شکاف‌ها و اختلافات بین این کشور با متحدانش در مناطق مختلف رو به افزایش است. این اختلافات بیش از همه در دو سوی آتلانتیک شکل واضح و مشخصی گرفته است. این موضوع به ویژه از دوره ترامپ به این سو در موضوعات مختلف اقتصادی و تجاری، چگونگی واکنش به بحران اوکراین و حمله روسیه به این کشور و چگونگی تعامل با سایر قدرت‌های جهانی از جمله چین قابل توجه بوده است. برای مثال در موضوع واکنش به حمله روسیه به اوکراین، ایتالیا با اینکه تحت تأثیر وابستگی به اتحادیه اروپا به طور یک‌جانبه از روسیه فاصله گرفت، اما دست به قطع کلی روابط با روسیه نزد، بنابراین می‌توان عدم‌مشارکت در حمله به یمن را نیز در ادامه این اختلافات ارزیابی کرد، به ویژه اینکه در موضوع حمله به یمن نیز که یک عملیات برون‌مرزی محسوب می‌شود این اختلافات دوباره خود را نشان داد. این اختلافات حکایت از چند مسئله دارد. یک اختلاف دیرینه در درون اتحادیه این است که برخی اعضای آن همچون فرانسه و ایتالیا که سابقه طولانی در سیاستگذاری خارجی دارند، از ابتدا تمایلی به دستور کار سیاست خارجی مشترک با دیگر اعضا ندارند. این واهمه بیش از همه در قلب این مبارزه به رهبری فرانسه وجود دارد که همواره تمایل خود را برای تشکیل اتحادیه اروپای کوچک و خارج نگه‌داشتن بیشتر اعضای جدید نشان داده است. از سوی دیگر باید توجه داشت که بسیاری از کشورها از جمله روسیه و چین در رقابت‌های جهانی روی این اختلافات حساب کرده‌اند. چین کنش فعال نظامی اروپا و امریکا را در سایر نقاط جهان حتی منطقه بحران‌خیز غرب آسیا به دیده تردید می‌نگرد. در مجموع به نظر می‌رسد چنددستگی بین کشورهای اروپایی و هراس آنها از درگیری‌های خارجی باعث شده است برخلاف گذشته تمایل چندانی به همراهی با امریکا در عملیات‌های نظامی با محوریت این کشور در غرب آسیا نداشته باشند.

رویکرد

امریکا در یمن به آتش نفرت از «شیطان بزرگ» می‌دمد

مارک چمپیون

دست‌کم دو نگاه به تصمیم امریکا و بریتانیا برای حمله به اهداف حوثی‌ها در یمن وجود دارد. اگرچه این دو نگرش کاملاً متناقضند اما هر دو هم درست هستند؛ دیدگاه اول این است که این حمله اجتناب‌ناپذیر بود، هم از نظر سیاسی و هم برای حفظ بازدارندگی معتبر در برابر اقدامات خصمانه بیشتر از سوی ایران و نیروهای نیابتی‌اش. برای رئیس‌جمهوری امریکا، دست روی دست گذاشتن، یک گزینه نبود. دیدگاه دوم و بدون شک دلیل درنگ اولیه امریکا، این است که احتمال موفقیت کم است همراه با یک ریسک قابل توجه از تشدید.

اگر اهداف استراتژیک ایالات‌متحده، بازگرداندن جریان آزاد تجارت از طریق دریای سرخ، جلوگیری از تبدیل‌شدن جنگ بین حماس و اسرائیل در غزه به یک درگیری منطقه‌ای و خنثی‌کردن تلاش‌های ایران برای متوقف‌کردن فرایند عادی‌سازی اسرائیل در خاورمیانه‌ای جدید، ثبات‌یافته و پررونق باشد، پس حملات به یمن به احتمال زیاد نتیجه وارونه‌ای خواهد داشت. در واقع، نمی‌توان جلوی این احساس را گرفت که ایالات‌متحده، همانند اسرائیل پس از ۷ اکتبر، به سازی رقصیده که از سوی یک گروه شبه‌نظامی سرکش در یک نیمچه دولت ناکارآمد که چیز زیادی برای از دست دادن ندارد، نوشته شده است.

موفقیت را در اینجا نمی‌توان با میزان تخریب سنجید. اگر خلبانان و تیم‌های توپخانه امریکا و بریتانیا کار خود را به خوبی انجام نداده باشند، جای شگفتی دارد، زیرا آنها احتمالاً بهترین‌های آموزش‌دیده و تجهیزشده در جهان هستند، اما احتمال اینکه حوثی‌ها تمام توانایی‌های حمله موشکی خود را یک‌شبه از دست داده باشند، قطعاً صفر است چراکه بخش بزرگی از این توانمندی‌ها، سیار است، بنابراین بدون حضور قابل توجه نیروهای متحدان روی زمین، به سختی قابل هدف قرار گرفتن هستند. آنها سال‌ها حملات هوایی جت‌های پیشرفته امریکایی را که از سوی خلبانان سعودی و اماراتی به پرواز درمی‌آمدند، تحمل کرده‌اند. اگر چیزی تغییر کرده باشد، این است که دریای سرخ در حال تبدیل‌شدن به یک منطقه جنگی است. این وضعیت، احتمال پیامدهای منفی بر بازارهای جهانی را افزایش می‌دهد، هر چند نرخ‌های حمل کانتینر از زمانی که حوثی‌ها آزاررسانی خود را آغاز کرده‌اند، به شدت افزایش یافته اما آنها هنوز به نفتکش‌ها حمله‌ای نکرده‌اند. بازارهای نفت تا امروز که نفت برنت در لندن تا ۳/۵ درصد افزایش یافت و برای اولین بار در سال جدید به بیش از ۸۰ دلار در هر بشکه رسید، از این وضعیت تأثیر کمی گرفته‌اند.

مبارزه با «شیطان بزرگ» - از نگاه آنچه محور مقاومت ایران نامیده می‌شود - با پنهان‌شدن در پشت مبارزه برای فلسطین، بخشی از نقشه بازی حوثی‌ها خواهد بود. حوثی‌ها اکنون قول داده‌اند که تلافی خواهند کرد و تمام منافع امریکا و بریتانیا را اهدافی مشروع اعلام کرده‌اند و «احمقانه» خواهد بود، به قول خودشان، اگر به حرف آنها شک کنیم.

مدیر بخش سیاست اندیشکده امریکایی Defense Priorities، بنیامین اچ. فریدمن Benjamin H. Friedman، روز جمعه در بیانیه‌ای گفت: «رهبران حوثی در تأکید بر ادعای خود برای مبارزه با اسرائیل و حامیان امریکایی آن در دفاع از غزه، چه بسا که در واقع از حملات هوایی استقبال کنند» و با تشدید حملات‌شان به کشتیرانی، امریکا را به واکنش بیشتر فرا بخوانند. گذشته از این، تهدیدی که به آن پاسخ داده شد، در واقع آنقدرها هم برای تجارت جهانی فلج‌کننده نبود. «واقعیت این است که حملات حوثی‌ها به کشتیرانی، تأثیر ویژه‌ای نداشته و مشکل اقتصادی بزرگی نیست.»

سم رابطه با واشینگتن - تل آویو

البته اگر به حوثی‌ها اجازه داده می‌شد که ادامه دهند، این وضعیت ممکن بود تغییر کند (و تأثیرات آن بر اقتصاد جهانی بیشتر شود). اما اگر تردید دارید که هدف اصلی ایران و نیروهای نیابتی‌اش برانگیختن خشم منطقه علیه امریکاست، به پاسخ حزب‌الله به اقدام امریکا گوش دهید. این گروه مستقر در لبنان، روز جمعه در بیانیه‌ای گفت: تجاوز امریکا بار دیگر تأیید می‌کند که ایالات‌متحده شریک کامل فجایع و کشتارهایی است که دشمن صهیونیستی در غزه و منطقه مرتکب شده است.

حماس، ایران و متحدان آنها در پی برافروختن بی‌اعتمادی به/و نفرت از اسرائیل و امریکا در سراسر خاورمیانه هستند، به گونه‌ای که هر ارتباطی با این دو، به قدری سمی شود که رهبران منطقه، از عربستان سعودی تا مصر، مجبور به فاصله گرفتن از آنها شوند. خیابان‌های عربی از قبل نسبت به اسرائیل خشم‌آلود شده و از اقدامات حوثی‌ها در دریای سرخ به عنوان دفاع از جمعیت فلسطینی رنج‌دیده غزه حمایت می‌کنند. در چنین شرایطی است که آن گونه همگرایی‌های اقتصادی و امنیتی (با اسرائیل) که قبل از ۷ اکتبر در جریان بود، از نظر سیاسی غیرممکن می‌شد.

نتایج یک نظرسنجی از ۸ هزار نفر در ۱۶ کشور عربی که از سوی مرکز تحقیقات و مطالعات سیاست عربی مستقر در دوحه در تاریخ ۱۰ ژانویه منتشر شد، ۳۶ درصد به تعلیق روابط یا عادی‌سازی با اسرائیل به عنوان گزینه اصلی خود برای فشار بر اسرائیل برای پایان دادن به جنگ غزه پاسخ دادند. از بین هشت گزینه دیگر، محبوب‌ترین گزینه بعدی یعنی ارسال کمک به غزه بدون تأیید اسرائیل، کمتر از نصف این رقم را به خود اختصاص داد. در همین حال، ۸۹ درصد با به رسمیت شناختن اسرائیل مخالف بودند و ۷۷ درصد امریکا یا اسرائیل را به عنوان بزرگ‌ترین تهدید امنیتی منطقه می‌دیدند. در مقابل، تنها ۷ درصد ایران را که رقیب دیرین و کنونی اعراب است، به عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای ثبات منطقه می‌دانستند. جنگ در غزه این ارقام را به شکل قابل توجهی به زیان امریکا تغییر داده است.

«ایران» پیروز ماجرا

در سیاست خارجی، محبوبیت ملاک نیست اما قدرت نرم اهمیت دارد و نفرت از امریکا و اسرائیل بر آنچه رهبران عرب می‌توانند بگویند و انجام دهند، تأثیر می‌گذارد. تاکنون هیچ مدرکی وجود ندارد که ایران حملات خشونت‌بار حماس در ۷ اکتبر را تحریک کرده باشد، اما تا به این لحظه از پاسخ‌های اسرائیل و امریکا سود برده است. صرف‌نظر از حکم دادگاه لاهه، این واقعیت که اسرائیل - از میان همه کشورهای جهان - اکنون به اتهام نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی دادگستری سازمان ملل متحد در لاهه محاکمه می‌شود، یک پیروزی دیگر برای مخالفان دولت یهودی است، البته که روی دیگر سکه این است که عدم‌اقدام نظامی امریکا و متحدانش در گذشته هم، حاصلی به همراه نیاورده است. حوثی‌ها در حملات خود به کشتیرانی بین‌المللی، از جمله کشتی‌های نظامی امریکا و دیگران برای حفاظت از تقریباً ۱۲ درصد حجم تجارت جهانی که هر روز از طریق دریای سرخ عبور می‌کند، جسورتر می‌شوند و هر چند خود را به عنوان یک نیروی جنگی فوق‌العاده تاب‌آور نشان داده‌اند اما آنها هم در برابر حمله آسیب‌ناپذیر نیستند.

همانطور که ست جونز، مدیر برنامه‌های امنیت بین‌المللی و تهدیدات فراملیتی در مرکز واکاوی‌های راهبردی و بین‌المللی واقع در واشینگتن، چند ساعت پیش از حملات هوایی امریکا گفت: «هدف اینجا متوقف‌کردن حملات حوثی‌ها نیست - من مطمئن نیستم که شما می‌توانید این کار را انجام دهید - بلکه تضعیف توانایی آنها برای انجام این حملات و مجازات آنهاست.»

جونز انتظار دارد حوثی‌ها دوباره به مسیرهای کشتیرانی شلیک کنند و امریکا نیز به همین ترتیب با هدف قراردادن سکوهای پرتاب و انبارهای موشکی‌شان پاسخ دهد، آن هم با هدف تحمیل هزینه کافی بر توانایی‌های موشکی حوثی‌ها که ممکن است در نهایت اراده آنها را برای ادامه این رویکرد تضعیف کند. این واکنش امریکا و متحدانش، در عین حال، باید به ایران و حزب‌الله نشان دهد زمانی که امریکا خطوط قرمزی در برابر گسترش جنگ غزه تعیین می‌کند، این خطوط اجرا خواهند شد. من نیز خوب یا بد، همین انتظار را دارم. بی‌شک، ایرانی‌ها و حوثی‌ها نیز همین انتظار را دارند.

بلومبرگ، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۴

برآورد

اکنون به جای امریکا ایران هدایت خاورمیانه را در دست دارد

سایمون تیزدال / گاردین

در حالی که جنگ غزه امروز یکصدوپنجمین روز خود را سپری می‌کند، اینکه ناظران غربی به نتایج جنگ و جایگاه ایران در آن چطور نگاه می‌کنند، کلیدی است. گاردین یکی از چندده نشریه‌ای است که طی هفته‌های اخیر در این باره مقاله نوشته است. مشخص است که همه نکات مطرح در مقاله، مورد تأیید «جوان» نیست.

اولین حمله هوایی به رهبری ایالات‌متحده به شبه‌نظامیان شیعه حوثی تحت حمایت ایران در یمن، نقطه عطف دلهره‌آور دیگری در مسیر طولانی شکست سیاست‌های غرب در خاورمیانه است که مهم‌ترین پیامدهای آن دهه‌ها باقی مانده است؛ شکست در حل مناقشه اسرائیل و فلسطین. اینکه ایالات‌متحده با حمایت بریتانیا موظف به استفاده از زور در پاسخ به حملات خفه‌کننده حوثی‌ها به کشتی‌های دریایی دریای سرخ بود، واقعیتی ناخوشایند را منعکس می‌کند: اهرم سیاسی واشینگتن رو به کاهش است، دیپلماسی آن ناکارآمد است، اقتدارش مورد تمسخر قرار می‌گیرد. حوثی‌ها بدون هراس قول دادند حملات ادامه خواهد یافت. این تشدید شدید و بی‌پایان واقعیت ناخوشایند دیگری را برجسته می‌کند؛ قدرت مسلط در خاورمیانه دیگر امریکا، مصر متحد غرب، عربستان سعودی یا حتی اسرائیل نیست. این متحد اصلی حوثی‌ها، ایران است. صحبت از برندگان و بازندگان در میان کشتار وحشتناک غزه - که حوثی‌ها می‌گویند باعث شروع کارزار آنها شد - آسان نیست. با این حال، از نظر استراتژیک، روشن است که چه کسی در این بحران پیشروی می‌کند. با نبرد از سوی نیروهای نیابتی خود، جایگاه ایران با هر قربانی فلسطینی، موشک حزب‌الله، بمباران عراق، سوریه و پهپاد حوثی تقویت می‌شود. جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده، افکار جهانی (و بیشتر امریکایی‌ها) را با تعهد عجولانه خود به حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل پس از جنایات حماس و وتوکردن طرح‌های آتش‌بس سازمان ملل متحد، بیگانه کرد. سیاست او در خاورمیانه منسوخ به نظر می‌رسد. ایالات‌متحده هرگز در جهان عرب محبوبیت نداشت، به عنوان یک شر ضروری تحمل شد، ولی دیگر نه.

ایران غیرعرب اکنون هدایت منطقه را در دست دارد. اسرائیل نیز از ۱۷ اکتبر از زنگ بیداری راهبردی رنج برده است، اگرچه سیاستمداران تندروتر آن هنوز آن را درک نمی‌کنند. شرایط وحشتناک غزه برای همیشه نحوه نگاه به این کشور را به بدتر تغییر داده که شاهد آن، اتهامات بی‌سابقه نسل‌کشی در لاهه است. خالد بن بندر، سفیر عربستان در لندن، هفته گذشته به بی‌بی‌سی گفت که دولت یهود دیگر نباید به عنوان یک مورد خاص در نظر گرفته شود. همه اینها به درد ایران می‌خورد. روحانیون سه هدف اصلی در سیاست خارجی دارند: بیرون راندن ایالات‌متحده، دشمن شیطانی انقلاب ۱۹۷۹ از خاورمیانه، حفظ برتری منطقه‌ای و تقویت اتحادهای کلیدی با چین و روسیه.

هدف چهارم

نابودی اسرائیل، واقعی یا لفاظی، چهارمین مورد است. شبکه‌های شبه‌نظامی ایران (محور مقاومت) با فاصله مشخصی از ایران [به طوری که نتوان ایران را مستقیماً متهم کرد] عمل می‌کنند. نظرات در مورد اینکه آیا حوثی‌ها، مثلاً از سوی تهران آموزش‌دیده و مسلح شده‌اند، از دستورات آن پیروی می‌کنند یا خیر، متفاوت است. برخی تحلیلگران معتقدند ایران کنترلی بر جانشینان یمنی خود ندارد. حزب‌الله لبنان نیز اصرار دارد از نظر عملیاتی خودمختار است. با این حال، وقتی به همراه حماس در غزه، گروه‌های فلسطینی کرانه باختری و شبه‌نظامیان مستقر در عراق و سوریه مورد بررسی قرار می‌گیرند، آشکار است که ایران یک ائتلاف کنترل از راه دور متشکل از آنهایی که مایل به پیشی گرفتن از ایالات‌متحده هستند، تشکیل داده است. بمباران پایگاه‌های حوثی‌ها، به جای فشار برای آتش‌بس در جنگ داخلی طولانی‌مدت یمن، این واقعیت را تغییر نخواهد داد. به احتمال زیاد به روایت مقاومت ضدغربی و ضداسرائیلی تهران در سراسر منطقه دامن می‌زند. ایران با هوشیاری بیشتر نسبت به گذشته، سال گذشته گام‌های عمل‌گرایانه‌ای برای ترمیم روابط با رقبای عرب خلیج‌فارس برداشت و روابط دیپلماتیک با عربستان‌سعودی را احیا کرد، اما هیچ عشقی بین ریاض و تهران گم نشده است. مهم‌ترین جنبه این معامله این بود که چین میانجی آن بود.

جهان آماده براندازی نظم کهنه

چین و روسیه بهترین دوستان جدید ایران هستند و این بیش از سایر عوامل است که اقبال ایران را متحول و آن را به قدرت تبدیل کرده است. تهاجم اوکراین و پیمان همکاری قبلی چین و روسیه «بدون محدودیت» کاتالیزور این انتقال بود.

جنگ و پیامدهای آن این باور را در پکن و مسکو متبلور کرد که رهبری جهانی ایالات‌متحده، پس از دونالد ترامپ، در حال عقب‌نشینی است و نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانینی که واشینگتن بر آن نظارت دارد، برای براندازی و جایگزینی آماده است. از زمانی که شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین بیش از یک دهه پیش قدرت را در دست گرفت، چین حوزه‌های نفوذ ژئوپلتیکی و اقتصادی را برای رقابت و در صورت امکان جایگزین مناطق ایالات‌متحده ایجاد کرده است. ایران محور برنامه‌های شی است. در سال ۲۰۲۱، دو کشور تفاهمنامه سرمایه‌گذاری استراتژیک و انرژی ۲۵ساله امضا کردند. ایران تحت حمایت چین به گروه بریکس و سازمان همکاری شانگهای پیوسته و با همکاری با پکن برای دور زدن تحریم‌ها، ماهانه میلیون‌ها بشکه نفت‌خام با تخفیف به چین می‌فروشد که از سوی نفتکش‌های «ناوگان تاریک» [ناوگانی که قابل ردیابی در اقیانوس نیست] به چین منتقل می‌شود. پس از سال‌ها رکود و ناآرامی‌های شدید سیاسی و اجتماعی داخلی، اقتصاد آن در حال رشد است. شی در ماه فوریه به ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران گفت که چین از مبارزه این کشور با «یکجانبه‌گرایی و قلدری» امریکا حمایت می‌کند. [در رابطه ایران] با روسیه، همه چیز در مورد اسلحه است. ایران پهپادهای مسلحی را تأمین می‌کند که مسکو برای کشتن اوکراینی‌ها از آنها استفاده می‌کند. گزارش‌ها حاکی است اطلاعات ایالات‌متحده اذعان می‌دارند گروه مزدور واگنر روسیه قصد دارد یک سامانه دفاع هوایی میان‌برد به حزب‌الله ارائه دهد که در صورت صحت، اقدامی تحریک‌کننده است. ایران نیز به نوبه خود ممکن است به زودی جنگنده بمب‌افکن و بالگردهای تهاجمی پیشرفته سوخو SU-35 روسیه که محصول یک «مشارکت دفاعی بی‌سابقه» است را تحویل بگیرد. صادرات روسیه به ایران در حال رونق است. مسکو ۴۰ میلیارد دلار برای توسعه میادین گاز طبیعی خود متعهد شده است. علاوه بر همه اینها، برنامه غنی‌سازی مرتبط با تسلیحات هسته‌ای ایران طبق گزارش‌ها به سرعت در حال پیشروی است؛ هدف دیگری که می‌تواند به حذف توافق ضداشاعه تحت حمایت سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ از سوی ترامپ نسبت داده شود که بایدن امیدوار بود آن را احیا کند اما منصرف شد. روسیه و چین دیگر طرف توافق نیستند. بدترین کابوس اسرائیل (بمب ایرانی) ممکن است از همیشه نزدیک‌تر باشد. روئل مارک گرک و ری تکیه تحلیلگران نوشتند: «امروز، روحیه در جمهوری اسلامی پیروز است. [این کشور] از تحریم‌ها و اعتراضات داخلی جان سالم به در برده است. این کشور با کمک متحدان قدرت بزرگ خود، اقتصاد خود را تثبیت کرده و شروع به تجدید قوای دفاعی خود کرده است. بمب هسته‌ای در دسترس است.» پس از ۴۴ سال تلاش، ایران بالاخره کشور قدرتمند منطقه شد. تحریم، طرد و تهدید تهران جواب نداده است. ایالات‌متحده، بریتانیا - و اسرائیل - با یک رقیب سرسخت روبه‌رو هستند که بخشی از یک اتحاد مثلث جهانی است که از سوی شبه‌نظامیان قدرتمند و قدرت اقتصادی حمایت می‌شود. اگر می‌خواهیم از یک درگیری گسترده‌تر اجتناب کنیم، به یک رویکرد دیپلماتیک جدیدی نیاز است.

ترجمه: کانال پایش امریکا &UN